

« درس دهم: چیستی انسان (2) »

1. فیلسوفان مسلمان برای توضیح و تبیین حقیقت انسان از چه آثار و منابعی بهره بردند؟

آنان با استفاده از آنچه از افلاطون و ارسطو و پیروان آن دو به دستشان رسیده بود و نیز با الهام از آموزه های دینی خود حقیقت انسان را تبیین کردند.

2. فیلسوفان مسلمان چگونه وجود حقیقتی برتر به نام روح را برای انسان اثبات می کردند؟

(سه دلیل ذکر کنید)

۱. آنان معتقدند که نمی توان انسان را به یک موجود صرفاً زمینی و مادی تقلیل داد و در همان حال برای وی ویژگی های متعالی و ارزشمندی مانند آزادی یا کرامت انسانی و نوع دوستی یا فضایی از این قبیل قائل شد.
۲. فیلسوفان مسلمان با تفکر و تعمق فکری دینی را قبول کرده بودند که در کتاب آسمانی به روشنی و وضوح از حقیقتی به نام روح سخن گفته و آن را هدیه ای الهی و غیر زمینی شمرده و انسان را موجودی جاویدان می داند.
۳. همچنین آنان خود یا عارف بوده اند و یا عارفانی را می شناختند که مراتب برتر و مجرد هستی را شهود می کردند و می دانستند چنین شهودی در توان بدن مادی انسان نیست.

3. پیام فلسفی این شعر مولوی چیست ؟

« مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک / چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم »

حقیقت انسان این جسم و تن مادی و خاکی نیست بلکه حقیقت او روح جاویدان است که متعلق به جهانی برتر از دنیای مادی است و انسان باید تلاش کند حقیقت متعالی خویش را بشناسد و به جایگاه واقعی و برتر خود در نظام هستی برسد.

4. در قرآن کریم انسان چگونه موجودی معرفی شده است؟ قرآن کریم انسان را موجودی جاویدان و جانشین خدا در زمین و مسجود فرشتگان شمرده است که آسمان ها و زمین را خداوند برای او آفریده و آماده ساخته است

5. از نظر ابن سینا خداوند چه زمانی روح را به انسان عطا می کند؟

ابن سینا معتقد است که وقتی بدن انسان دوره جنینی را در رحم مادر می گذراند و به مرحله ای می رسد که صاحب همه اندام های بدنی می شود خداوند روح انسانی را به آن عطا می کند.

6. از دیدگاه ابن سینا روح انسانی دارای چه ویژگی ها و استعداد هایی است؟

روح انسانی جنبه غیر مادی دارد و از جنس موجودات مجرد است / استعداد کسب علم را از طریق تفکر دارد / می تواند اموری از قبیل اخلاق و عشق و دوستی و نفرت و پرستش و معنویت را دریابد و آن ها را در خود پدید آورد. / روح دارای جایگاهی بسیار رفیع و بلند در نظام خلقت است.

7. شیخ سهروردی حقایق هستی را چگونه به دست می آورد و به چه زبانی آن ها را بیان می کند؟

او که خود عارف و سالک الی الله بود با بهره مندی از الهامات و اشرفات معنوی خود بسیاری از حقایق را از طریق شهود درونی به دست آورده و تلاش می کند این حقایق را به زبان فلسفه و استدلال بیان کند.

8. **شیخ سهروردی چه دیدگاهی درباره حقیقت وجود یا هستی و سایر موجودات دارد؟ توضیح دهید**
 او معتقد است که هستی مراتب نور است. خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد « نور الانوار » است. سایر مراتب وجود نور هستی خود را از نور الانوار یعنی خداوند دریافت می کنند اما چون نور کامل نیستند ترکیبی از نور و ظلمت اند.
9. **سهروردی درباره نفس انسانی چه اندیشه و عقیده ای دارد؟ او عقیده دارد که نفس انسان همان جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او همان جنبه ظلمانی اوست. وی نفس انسانی را حقیقتی مربوط به مشرق عالم می داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست.**
10. **با توجه به دیدگاه سهروردی نفس انسان چگونه می تواند حقایق را دریابد و به کمال برسد؟**
 اگر نفس انسان نورانیت بیشتری کسب کند حقایق هستی را بهتر رویت می کند و می تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر مسیر کمال را طی کند.
11. **مقصود سهروردی از مشرق و مغرب عالم چیست؟**
 خداوند یا نور الانوار مشرق عالم است زیرا او منبع و منشا نور است و از خداست که انوار بعدی طلوع می کند. مغرب عالم آنجاست که نور وجود به پایین ترین حد خود برسد.
12. **مکتب فلسفی ملا صدرا چه نام دارد؟ اندیشه و دیدگاه این مکتب را درباره حقیقت انسان و روح بنویسید. حکمت متعالیه نام مکتب فلسفی ملا صدرا است. از دیدگاه این مکتب حقیقت انسان حقیقتی دو بعدی است: روح و بدن اما روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.**
13. **با توجه به دیدگاه حکمت متعالیه چه رابطه ای میان روح و بدن وجود دارد؟ توضیح دهید**
 از نظر ملا صدرا روح و بدن دو چیز مجزا نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه اینها وحدتی حقیقی دارند به گونه ای که روح باطن بدن است. بنابراین هر اتفاقی در روح بیفتد در بدن ظاهر می شود و هر اتفاقی در بدن بیفتد بر روح تاثیر می گذارد برای مثال بدن بیمار روح را هم کسل و بیمار می کند و بدن شاداب به روح شادابی و نشاط می بخشد و بالعکس.
14. **از نظر مکتب حکمت متعالیه انسان برای رسیدن به کمالات باید چه کارهایی انجام دهد؟**
 از نظر این مکتب فلسفی گرچه انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد اما این استعداد به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات نیست. انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت و استعدادها را بالقوه را به فعلیت برساند یعنی باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید و با ایمان و عمل این مسیر را طی کند.
15. **از نظر حکمت متعالیه آخرین درجه تکاملی که موجودات زنده می توانند به آن برسند چیست؟ چرا**
 روح انسانی / زیرا ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می تواند به هر مرتبه و کمالی در جهان دست یابد و به هیچ درجه ای از کمال قانع نمی شود.
16. **محتوا و مضمون اصلی قصیده عینیه ابن سینا چیست؟ توصیف بی قراری و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه اصلی اش و تشریح وضعیت روح با بیانی تمثیلی.**

17. نکته اصلی هر دیدگاه را در باره حقیقت انسان بیان کنید

ارسطو: انسان حیوان ناطق یعنی متفکر و اندیشمند است و قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است نه بدن

ابن سینا: روح انسانی استعداد کسب علم از طریق تفکر دارد و از جایگاه رفیعی در نظام خلقت برخوردار است.

صدرائیان: روح و جسم دو چیز مجزا و جداگانه نیستند بلکه روح نتیجه رشد و کمال خود جسم و بدن است.

سهروردی: نفس انسان همان جنبه نورانی وجود است و جسم جنبه ظلمانی اوست و این نفس انسانی حقیقتی مربوط به مشرق عالم است.

دکارت: حقیقت انسان روح یا نفس است که مرکز اندیشه و استدلال انسان است و از قوانین فیزیکی آزاد است.

داروینیست ها: انسان چیزی جز یک حیوان راست قامت نیست با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است.

ماتریالیست ها: انسان تنها یک بعد دارد و آن هم بعد مادی و جسمانی است.

نکات مهم درس

1. ابن سینا هم چون عارفان برای روح جایگاهی بسیار رفیع در نظام خلقت قائل شد. او برای توصیف بی قراری و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه واقعی اش شعری به زبان عربی سرود و وضعیت روح را با بیانی تمثیلی در آن شرح داد.

2. شیخ سهروردی بسیاری از حقایق را با استفاده از الهامات و اشرافات معنوی از طریق شهود درونی به دست آورده بود و آن ها را به زبان فلسفه و استدلال بیان می کرد.

3. سهروردی به جای مفهوم وجود بیشتر از مفهوم نور استفاده می کرد و معتقد بود هستی مراتب نور است.

4. از نظر سهروردی خداوند نورالانوار یعنی منبع و سرچشمه همه نورهاست و سایر موجودات نور خود را از او دریافت می کنند.

5. سهروردی معتقد بود که نفس انسانی همان جنبه نورانی وجود و مربوط به مشرق عالم است و جسم او همان جنبه ظلمانی وجود است.

6. سهروردی خدا را مشرق عالم می داند و آنجا که نور وجود به پایین ترین حد خود می رسد را مغرب عالم می نامد

7. نام مکتب فلسفی ملا صدرا حکمت متعالیه است.

8. از دیدگاه مکتب حکمت متعالیه حقیقت انسان حقیقتی دو بعدی به نام روح و بدن است اما روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم است. و روح و جسم وحدتی حقیقی دارند.

9. صدرائیان معتقدند انسان دارای ظرفیت ها و استعدادهای بی نهایت و بالقوه است اما این ظرفیت باید با گام نهادن او در مسیر خدا با ایمان و عمل و با اختیار و اراده به فعلیت برسد.

10. از نظر حکمت متعالیه روح انسانی آخرین درجه تکامل موجودات زنده است.

پایان درس دهم

« درس یازدهم: انسان، موجودی اخلاق گرا »

1. کارها و رفتارهای انسان به طور کلی به چند دسته تقسیم می شود؟ نام برده و هر کدام را تعریف کنید
 فعل طبیعی: کارهایی است که انسان آن را برای رفع نیازهای خود انجام می دهد مانند خرید روزانه، داشتن شغل و درآمد، استراحت و ورزش و ...
 فعل اخلاقی: کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می گیرند مانند احسان، گذشت، دروغ و غیبت، مبارزه با ظلم و ...
2. از دیدگاه افلاطون معیار فعل اخلاقی چیست؟ از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد او فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر بر خلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد رذیلت و بدی شمرده می شود.
3. از نظر افلاطون در وجود انسان چند قوه ی اصلی نهفته است و هر یک چه کارکردی دارند؟
 قوه ی شهوت: انسان را به لذایذ و امیال فرا می خواند / قوه ی غضب: انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند / قوه ی عقل: خوب را از بد تشخیص داده و سعادت واقعی را شناسایی میکند.
4. به عقیده افلاطون در چه صورتی یک عمل یا فعل اخلاقی در جهت سعادت است؟
 در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه شهوت و غضب تحت کنترل و حکومت عقل باشند و با راهنمایی عقل عمل کنند.
5. بر اساس دیدگاه افلاطون اگر قوه ی عقل در انسان حاکم باشد چه نتایج اخلاقی در انسان و شخصیت او به دست می آید؟ اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است حاکم باشد قوه شهوت « خویشتن داری » پیش می گیرد و قوه غضب متصف به « شجاعت » می شود. برآیند و نتیجه چنین سامانی برقراری عدالت میان قوای عقل و شهوت و غضب در سراسر شخصیت انسان است.
6. به نظر افلاطون داشتن کدام فضیلت ها، معیار نیک بختی و سعادت انسان ها است؟
 حکمت / خویشتن داری / شجاعت و عدالت
7. ارسطو چه دیدگاهی در باره ی معیار فعل اخلاقی و سعادت انسان دارد؟ توضیح دهید
 او نظری نزدیک به استاد خود افلاطون دارد و معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود انسان به اعتدال در قوا می رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک بختی انسان است و این معیار نزد همه مشترک و ثابت است
8. از نظر ارسطو عقل در چه صورتی می تواند مانع افراط و تفریط شده و اعتدال را در وجود انسان برقرار سازد؟
 در صورتی که خود عقل رشد کرده باشد و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.

9. حالت افراط، تفریط و اعتدال سه قوه ی اصلی انسان را از نظر ارسطو بنویسید.

قوا	حالت افراط	حالت تفریط	حد وسط و اعتدال
عقل	جُرَبزه	سفاهت	حکمت
قوه غضب	تَهوّر	ترس	شجاعت
قوه شهوت	شَره	خمودی	خوبیستن داری

10. از نظر کانت معیار فعل اخلاقی چیست؟ توضیح دهید

کانت معتقد است که معیار فعل اخلاقی را باید در وجدان اخلاقی جستجو کرد. او می گوید: هر انسانی در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند و این خیر اخلاقی عملی است که صرفاً برای اطاعت از وجدان و بدون هیچ گونه منفعت و هدف شخصی باشد.

11. به عقیده کانت چه نوع عملی خیر اخلاقی محسوب می گردد؟ با مثال توضیح دهید.

هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلاً اگر انسان عدالت را نه برای تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت خود بلکه فقط به خاطر اینکه وجدان به آن دعوت می کند انجام دهد فضیلت محسوب می شود.

12. قاعده ی کانت در مورد معیار فعل اخلاقی چیست؟ مقصود وی از این قاعده را توضیح دهید

« بر طبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود» مقصود او این است که عمل هر انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند آن کار را بپسندد و عاملان آن را تحسین کند.

13. کانت در جمله ای مشهور می گوید « دو چیز همواره مرا به شگفتی وا می دارد» آن دو چیز کدامند؟

یکی آسمانی که بالای سر ماست و دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.

14. از دیدگاه فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست ریشه و معیار فعل اخلاقی را باید در کجا جستجو کرد؟

آنان ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جستجو می کنند. از نظر این فیلسوفان، گروه انسان مانند سایر موجودات هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد. بنابراین خوب و بد عناوینی هستند که خود ما به هر کار نسبت می دهیم بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضرمان.

15. اولین قانون اخلاقی از نظر طبیعت گرایان و ماتریالیست ها چیست؟ آنچه برای خود می پسندی برای

دیگران هم بپسند در این صورت است که می توانی با دیگران زیست کنی.

16. از نظر فیلسوفان طبیعت گرا و مادی گرایان علت ابداع قواعد اخلاقی توسط انسان چیست؟ آیا افعال

اخلاقی ذاتاً ارزش و فضیلتی دارند؟

بنابر نظر آنان انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است قواعد اخلاقی را ابداع کرده است.

بر این اساس اموری مانند صداقت، عدالت و امانت داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و ذاتاً فضیلت شمرده نمی شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آن هاست باید آن ها را رعایت کرد.

17. بر اساس دیدگاه ابن سینا و فلاسفه مسلمان منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها چیست؟ توضیح دهید. عقل / عقل فضیلت هایی مانند عدل و احسان و خویشتن داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود درست مانند آب و غذا که جسم انسان را رشد می دهند. بنابراین هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی مانند ظلم و بخل و ریاگریزان است زیرا این رذائل اخلاقی به روح صدمه رسانده و از کمال باز می دارند. پس هر انسانی ذاتاً و فطرتاً به دنبال کسب فضائل است و با کسب فضائل احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد.

18. مقصود ابن سینا از عقل عملی چیست؟ عقل منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت هاست و این عقل را از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد عقل عملی می نامند.

19. به عقیده فلاسفه مسلمان انسان چند دسته تمایلات دارد؟ تمایلات مربوط به بعد مادی و حیوانی مانند تمایل به ثروت و لذت های مادی / تمایلات مربوط به بعد روحی و معنوی مانند تمایل به عدالت و سخاوت که تمایلاتی برتر هستند و فضیلت به شمار می روند.

20. بر اساس دیدگاه فیلسوفان مسلمان علت انجام رذائل اخلاقی توسط انسان چیست؟

گاهی میان فضیلت ها و منافع مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می شود در این شرایط اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند انسان را به سوی خود می کشانند و مانع رسیدن او به فضایل شده و به سوی رذیلت ها سوق می دهند

21. با توجه به دیدگاه فلاسفه مسلمان برای اینکه انسان در هنگام تضاد میان تمایلات حیوانی و فضایل اخلاقی بتواند فضایل را بر تمایلات ترجیح دهید به چه پشتوانه ای نیازمند است؟ توضیح دهید

این پشتوانه خداوند است / اگر علاوه بر تمایل ذاتی انسان به فضایل، خداوند نیز ما را به کسب فضایل ترغیب و از رذایل منع کند و برای آن ها پاداش و مجازات معین فرماید میل به فضایل در انسان تقویت می شود.

22. آیا اعتقاد داشتن به خداوند باعث قطعی و حتمی شدن عمل به فضایل می شود؟ چرا

خیر. اعتقاد به خدا تنها عامل تقویت کننده است / زیرا انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات از فرمان خدا هم سرپیچی کند.

23. هر یک از گزاره های زیر به کدام فیلسوف ارتباط دارد؟

معیار فعل اخلاقی جستجوی سعادت و نیک بختی است: افلاطون

معیار فعل اخلاقی در رعایت حد اعتدال است: ارسطو

معیار فعل اخلاقی در اطاعت از وجدان است: کانت

معیار فعل اخلاقی برای حفظ منافع و مصالح افراد در جامعه است: ماتریالیست ها و طبیعت گراها یا مادی گراها

معیار فعل اخلاقی از جنس کمال و زیبایی بودن و رساننده انسان به کمال است: ابن سینا و فلاسفه مسلمان

نکات مهم درس

1. کارهای انسان به دو دسته فعل طبیعی و فعل اخلاقی تقسیم می شود.
2. فعل طبیعی کارهای روزمره و نیاز انسان است اما فعل اخلاقی اعمالی است که مورد تحسین یا تقبیح قرار گیرد.
3. افلاطون معتقد است معیار فعل اخلاقی جستجوی سعادت و نیک بختی انسان است.
4. از نظر افلاطون انسان سه قوه اصلی به نام عقل، غضب و شهوت دارد.
5. افلاطون می گوید انسان نیک بخت کسی است که چهار فضیلت حکمت، شجاعت، عدالت و خویشتن داری را داشته باشد و این معیارها میان همه انسان ها مشترک و ثابت بوده و با گذشت زمان تغییر نمی کند.
6. از نظر ارسطو معیار فعل اخلاقی در رعایت حد وسط و اعتدال قوای وجودی انسان است.
7. کانت معیار فعل اخلاقی را در وجدان درونی جستجو می کند.
8. از نظر کانت خیر اخلاقی عملی است که فقط برای اطاعت از وجدان انجام گیرد نه برای منافع و اهداف شخصی یا کسی تعریف و تمجید دیگران.
9. کانت در جمله ای مشهور می گوید: دو چیز همواره باعث شگفتی من می شود: آسمان و وجدان درون
10. فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیستی ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان می دانند
11. توماس هابز می گوید: اگر انسان بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد باید به دیگران هم حق بدهد به همان میزان در برابر او آزادی داشته باشند.
12. از دیدگاه طبیعت گرایان علت ابداع و رعایت قواعد اخلاقی حفظ منافع و مصالح افراد در جامعه است. همچنین از نظر آنان امور اخلاقی ذاتا و حقیقتا دارای ارزش و فضیلت نیستند.
13. به عقیده فلاسفه مسلمان منبع شناخت رذیلت و فضیلت، عقل عملی است.
14. فلاسفه مسلمان معتقدند که انسان دارای دو نوع تمایلات مادی و معنوی است.
15. فیلسوفان مسلمان می گویند: علاوه بر تمایل ذاتی به فضایل داشتن پشتوانه ای به نام خدا هم برای انجام فضایل اخلاقی نیاز است.
16. خداوند عامل تقویت کننده فضایل است نه حتمی و قطعی کننده.
17. علت انجام رذایل اخلاقی، تضاد و تلاقی میان فضایل و رذایل و قوی تر بودن تمایلات مادی و حیوانی است.

« پایان جزوه فلسفه (1) »